

# ریشه‌های فقر

دکتر غلامحسن عبیری

▲ فقر در همه جا هست و در برخی نقاط به تکلیفی‌گری سوق یافته و دست‌ها دراز شده‌اند.



## ساختار فقر

عده‌ای از اقتصاددانان بر این باورند که نظام مالیاتی و نظام تأمین اجتماعی باعث شده‌اند که فقر به عنوان یک پدیده اجتناب‌ناپذیر بخشی از ساختار اقتصادی کشورها را تشکیل دهد. از این پدیده به نام دام فقر (Poverty Trap) یاد می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، فرآیندهای اقتصادی اجازه نمی‌دهند که انسان‌ها خود را از این دام نجات دهند. چرا فقرا نمی‌توانند خودشان را از این دام نجات دهند؟ موضوع ساده است، زیرا فقر یکنوع فرهنگ مصرف است. الگوی مصرف، ایجاد عادت می‌کند و ترک عادت هم چندان ساده نیست.<sup>۳</sup> وقتی در یک خانواده کم‌درآمد، فرزندی پا به عرصه وجود می‌گذارد، برنامه‌ها نیز بر مبنای

ظروف آشفال کنار خیابان آشکارترین نماد فقر است.

در گذشته، افزایش جمعیت را عامل فقر می‌دانستند، اما بعدها ثابت شد که می‌توان در شرایط مازاد جمعیت باز هم تمهیداتی را برای حذف فقر بکار گرفت. امروزه بیکاری را سرچشمه فقر می‌دانند، به‌ویژه آنکه افراد کم‌درآمد با داشتن فرزند بیشتر، درآمد سرانه اندک خود را نیز با بحران روبرو می‌کنند.

سرمدیر مجله آمریکایی Fortune روزی اعلام کرد که فقرا خود مسوول فقیر بودنشان هستند. اما چگونه؟ و چرا نمی‌توان به آن‌ها کمک کرد؟

Myint کشورهایی را فقیر توصیف می‌کند که اقتصاد آنها با انسان‌های عقب مانده سروکار دارد.<sup>۲</sup>

## مقدمه

فقر، عدم توانایی در جهت حفظ معیارهای مصرف است.<sup>۱</sup> فقر به زبان ساده، یعنی گرسنگی؛ با وجود این، اقتصاددانان با توجه به زمان و مکان، برای فقر محدوده‌هایی را تعیین کرده‌اند که از آن جمله میانگین مصرف طبقات کم‌درآمد را می‌توان نام برد. فقر را نمی‌توان به صورت مطلق مورد نظر قرار داد، اما نسبی بودن آن هم از اهمیت خاصی برخوردار است.

فقر هرچه باشد، فقر است و با هر نگاهی که به آن بپردازیم، جز فساد و تباهی مفهوم دیگری را به دنبال ندارد. همه روزه در هر نقطه دنیا که قرار بگیرید، افراد فقیر را به وفور می‌بینید: از پانصد متری کاخ سفید تا قلب تهران، در همه جا افراد تهیدست وجود دارند و برداشتن غذا از

## سیاست‌گذاری

خود ایجاد کنیم که عدم دسترسی به اطلاعات لازم، مشاوره و تصمیم‌های آنان را در مسیر درست قرار نداده است، لذا آنها نیز با سعی و خطا، به الگوهای مختلف اقتصادی روی آورده‌اند. از اینرو، همکاری و مشاوره نزدیک دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی یک الزام در جهت حل مسایل و بحران‌های جوامع است.

متأسفانه این رویارویی با یک نابسامانی عمده روبرو است که خود ناشی از عدم اطمینان طرفین به یکدیگر است و مزید بر علت زمانی است که زبان محاوره و گفت‌وگو از یک منطق علمی برخوردار نباشد. به عبارت دیگر، سیاست‌های ارتباطی بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مانند یک اتوبان دوطرفه عمل نمی‌کند. عدم توجه دولت‌ها به ارایه اطلاعات آماری به سازمان‌های بین‌المللی هم از جمله نقیصه‌ها است و بعضاً دولت‌ها از دادن اطلاعات به موقع نیز خودداری می‌ورزند.

وجود عدم اعتماد در ساختار بین‌المللی از معضل‌ترین مسائلی است که متأسفانه در دهه‌های اخیر با بحران بیشتری روبرو شده است. وجود جسنگ، انفجارهای غیرمنتظره، برخوردهای خشن، اعدام‌ها و تحریم‌ها از جمله عواملی هستند که نمادهای گفتگوی تمدن‌ها را خدشه‌دار می‌سازند.

سیاست‌گذاری بر مبنای گفتگوی تمدن‌ها باید بر پایه‌هایی مانند عزت نفس، ایمان، صبر، گذشت و خوش‌بینی استوار باشد که در عمل این گرایش‌ها بسیار تضعیف شده است. لذا برای موفقیت در امر سیاست‌گذاری لازم است به سه نکته توجه شود: اول، دانش و معرفت؛ دوم، استفاده از سرمایه‌های انسانی و نهایتاً، توجه به آرای مردم. در هر سه مورد هم شناخت پدیده فقر و لزوم برخورد با آن به‌عنوان عنصر و اولویت اصلی نهفته است.<sup>۵</sup>

## کالبدشکافی فقر

چون در این مختصر پرداختن به مهمترین مسأله اقتصاد جهانی کاری بس دشوار است، لذا به یک کالبدشکافی محدود و نمونه اکتفا می‌کنیم و آن این است که چرا در ایران با یک‌صدسال سابقه تزیق درآمدهای نفتی، در معضل فقر گرفتار آمده‌ایم؟ هم‌اکنون در بخش‌هایی از کشور مانند بلوچستان، بوشهر، کردستان، خراسان و... فقر کاملاً قابل رویت است. به عبارتی، می‌توان با یک تحقیق میدانی ساده، دریافت که در اطراف

عده‌ای از اقتصاددانان که با روش تحلیل ساختارگرایی توافق کامل ندارند، بر این باورند که عدم موفقیت سیاست‌های مالی و پولی سرچشمه اصلی بحران‌ها است، با این توضیح که عدم مقبولیت دولت و قرار گرفتن مردم در برابر دولت منجر به شکست دولت‌ها شده است. این نقیصه در اکثر کشورهای در حال توسعه به وضوح به چشم می‌خورد، به طوری که کشورهای در حال توسعه در سال‌های اخیر نرخ رشد تولیدات جهانی را از ۳/۲ درصد در سال ۱۹۹۷، به ۱/۸ درصد در سال ۱۹۹۸ کاهش داده‌اند.<sup>۴</sup> بخش عمده‌ای از این کاهش ناشی از اکثریت داشتن کشورهای در حال توسعه در مجموع کشورها است.

در نگاه جدید ملاحظه می‌شود که ناسازگاری میان سیاست‌های مالی با سیاست‌های پولی، نابسامانی در ارتباطات اجتماعی را به همراه داشته است. بحران شرق آسیا در سال‌های اخیر نشان‌دهنده برخورد نامناسب سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای با سیاست‌های بین‌المللی است. این بحران‌ها در شکست دولت مؤثر بوده‌اند و قدرت نفوذ کشورها را در ایجاد ثبات در منطقه کاهش می‌دهند.

سرچشمه اصلی این سیاست‌گذاری‌ها از سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک آسیایی توسعه، سازمان جهانی کار،... می‌باشد که با وجود آگاهی نسبت به فقدان اطلاعات لازم از کشورهای در حال توسعه، مرتباً تصمیم‌گیری و اتخاذ روش نموده و بخش مهمی از جامعه بشری را تحت تأثیر سیاست‌های خود قرار می‌دهند.

اگر سازمان‌های بین‌المللی تنها یک فرض را در دستور کار خود قرار می‌دادند که دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه با محدودیت‌های عدیده (از آنجمله نبود مدیران حرفه‌ای، کمبود کارشناسان مسوول، نبود اطلاعات درست) روبرو هستند، آنگاه موضع دولت را در قبال جامعه به ضعف نشان‌دهنده، موفقیت دولت‌ها را در فقرزدایی و بهبود اشتغال با شکست روبرو نمی‌کردند.

باید پذیرفت که منطق حکم می‌کند که نظام‌های بین‌المللی را با نگاه انتقادی مورد توجه قرار ندهیم، بلکه برعکس، باید این باور را در

امکانات قابل رویت سازماندهی می‌شوند. بنابراین، عقل و تدبیر تسلیم قضاو قدر می‌شود و به اصطلاح، به زندگی در مدینه فاضله افلاطونی رضایت می‌دهند. از آنجا که درصد کسانی که از این دام رهایی می‌یابند، اندک است، لذا به موارد خاص فعلاً توجهی نخواهیم کرد.

از سوی دیگر، شکست در رقابت‌های ناسالم و اسیر دنیای سوداگری شدن نیز درد بی‌درمان دیگری است که گاه افراد معقول را هم به پای جوخه دار اعزام می‌کند.

عده‌ای ممکن است فقر را ناشی از کم‌کاری بدانند، درحالی‌که اگر محیط کاری آرام باشد، همواره انسان آرزومند است که با فعالیت بیشتر به دیگران کمک کند. این روحیه انسانی در خمیرمایه و جوهر وجودی انسان به ودیعه گذاشته شده است.

در سطح کلان نیز نظام‌های اقتصادی حاکم با قیمت‌گذاری غلط، ارزش انسان را کمتر از ماشین یا مواد اولیه ارزشگذاری می‌کنند. نتیجه این عمل هم سوق دادن انسان‌ها به سوی فقر است. ممکن است ادعا شود که دولت حداقل سطح دستمزد را تعیین می‌کند، اما در عمل همین قانونگذاری به علت شرایط انحصاری حاکم بر بازار، منتج به استقرار حقوق پایه می‌شود و در نتیجه، سطح دستمزد واقعی را به شدت کاهش می‌دهد و فقر را به سطح وسیعتری از کل جامعه متمم می‌دهد. برای مثال، در دهه ۱۳۷۰ بارها دولت ایران نظام پرداخت حقوق و دستمزد را به منظور رفع بحران با نام‌های مختلف در دستور کار قرار داد، لیکن در عمل و به تدریج، قدرت خرید مردم تا آنجا کاهش یافت که امروزه خانواده قادر به تأمین امنیت غذایی فرزندانش هم نمی‌باشد. از آنجا که ایجاد اشتغال نیز کاری بس دشوار است، لذا این روند به فروپاشی خانواده منجر شد. فرار دختران از آغوش خانواده نتیجه کم‌توجهی به نیازهای جوانان است، نیازهایی که برای رفع آن باید توان مالی خانواده را بهبود بخشید.

بخش دیگری از این بحران به نظام اقتصاد جهانی بازمی‌گردد که شرایط مبادله را به نفع کشورهای صنعتی تغییر داده است، لذا ارزش مادی تولیدات یک کشاورز به میزان قدرت خرید کالاهای موردنیاز نمی‌باشد و نتیجه اینکه کشاورز با فرستادن فرزندانش به بخش واسطه‌گری، ساختار اقتصادی را با معضل بیشتری روبرو می‌کند و فقر ابعاد جدیدتری را به خود می‌گیرد.

شهرها و نقاط روستایی، معضل فقر، انسان‌های مسوول را به شدت نگران ساخته است. عامل اصلی این نابسامانی هم بخش روستایی کم‌درآمد جامعه است، که بالا بردن بهره‌وری آن آسان نیست، زیرا عوامل تولید مانند آب، ماشین‌آلات صنعتی و دانش فنی یا خدمات، در اختیار کشاورزان قرار ندارند.

عامل دوم، شرایط نابسامان توزیع امکانات در بخش شهری است، یعنی کمتر از ۱۰ درصد شهروندان از امکانات رفاه اقتصادی موجود در شهرها بهره‌مند می‌شوند. این بدان علت است که بیش از ۹۰ درصد مردم به سختی درگیر کارهای غیرمولد - سرکار بودن - می‌باشند، ضمن آنکه زمان و پول برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات موجود محدود است.

عامل سوم عدم اعتماد نهاد دولت و به تبع آن بدبینی مردم نسبت به بازار به عنوان عامل اصلی ایجاد کار، توزیع و بسترسازی روابط اجتماعی است. در این خصوص لازم به یادآوری است که نهاد بازار در طول تاریخ چهره اجتماعی‌تری داشته، زیرا در حل بحران‌های اجتماعی مانند فقر، طلاق، بیکاری و... به گونه‌ای پیشقدم شده است. در حال حاضر نیز بازار این ویژگی را برای خود حفظ کرده است، اما از آنجا که حوزه قدرت بسیار متمرکز می‌باشد، لذا دامنه خدمات رسانی بازار بسیار محدود است.

انتظار بیش از حد مردم از دولت در حل مسایل اقتصادی هم از جمله مشکلات اصلی بشمار می‌رود. در ساختار اقتصادی ایران، مردم اشتغال‌زایی را از وظایف دولت می‌دانند، در حالیکه به وظایف خودشان، که دادن مالیات است، وقعی نمی‌گذارند.

جایگاه دولت در کشورهای درحال توسعه تا آنجا جلو رفته است که به برگزاری مراسم ازدواج همگانی نیز یارانه می‌پردازند! به عبارت ساده‌تر، دولت نمی‌خواهد بخش خصوصی رشد کند، زیرا احساس می‌کند که برای خود رقیب تراشیده است، در حالی که رشد بخش خصوصی حوزه وظایف دولت را از مسایل کوچک تولید و توزیع، به فعالیت‌های مهمتر همچون تحقیقات، روابط بین‌الملل و دفاع از حقوق اجتماعی مردم سوق می‌دهد.

با وجود این، آنچه تمامی عوامل فوق را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همانا درک مردم است. Lock<sup>۶</sup> در سال ۱۶۹۰ با نوشتن رساله‌ای درخصوص درک انسان توجه را به سوی آزادی جلب کرد. Toland<sup>۷</sup> نیز در سال ۱۷۱۳، «قدرت

استدلال تفکر آزاد» را به عنوان گامی در جهت شناخت بهتر Lock، زیر چاپ برد. این نگاه، هشدار به کسانی است که نمی‌توانند محور بودن انسان را در مسایل حقیقی جامعه درک کنند. اولین و مهمترین نگاه به مردم، آزادی آن‌ها است تا بتوانند برای رویارویی با مشکلات راه‌حلی را دست‌وپا کنند.

امروزه انسانی با خطر فقر روبرو است که از ایجاد «رابطه» با دیگران هراس دارد. حال اگر این انسان حوزه ارتباطات خود را کاملاً گسترش دهد، آنگاه حصار فقر را درهم پاشیده است. برای مثال، انسان‌های فقیر در مناطق مرزی با روی آوردن به اعتیاد، محدودیت‌هایی را برای خود ایجاد می‌کنند که امکان تحرک را از آنان سلب می‌کند و سپس با روی آوردن به اندیشه‌های قرون وسطایی برای همیشه زندانی می‌شوند.

تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که بیشتر افراد فقیر و کم‌درآمد، اعتیاد دارند و از این

### ● بخشی از بحران فقر به نظام اقتصاد جهانی بازمی‌گردد که شرایط مبادله را به نفع کشورهای صنعتی تغییر داده است.

رو، نجات آنان تنها با حربه اقتصاد و اشتغال تحقق نمی‌یابد و چه‌بسا که این‌گونه افراد پس از بازنشستگی در منجلاب فقر گرفتار آیند.

#### رفتارشناسی فقر

وقتی به صورت فقرا در نقاط مختلف دنیا خیره می‌شویم، می‌بینیم که همه در یک درد مشترک هستند و آن هم تقاضا برای کمک است، اما رفتارها برای تقاضا بسیار متفاوت است. در برخی نقاط، فقر به سوی تکدی‌گرایی سوق یافته و دست‌ها دراز شده‌اند، و در نقاطی دیگر فروش‌های کاذب بهانه شده‌اند. عده‌ای نیز به مشاغل دلالی رو آورده‌اند و برخی هم با فروش ارزش‌های اخلاقی امرار معاش می‌کنند.

در هر صورت، عامل نگران‌کننده وضع کل جامعه است که نمی‌تواند مشاغل مولد را تولید و معرفی کند. آنجا هم که با بحران روبرو شده‌اند، پیوندهای جدیدی را معرفی کرده‌اند که در برخی از نظام‌های اجتماعی پذیرش آن‌ها بسیار دشوار و در کوتاه مدت غیرممکن است. در غرب فعالیت‌هایی مانند نگهداری

حیوانات، تغذیه حیوانات، آرایش حیوانات، تأمین وسایل زندگی حیوانات، مشاغلی را بوجود آورده است که میلیون‌ها دلار جریان درآمد و هزینه ایجاد کرده و صدها هزار نفر را به کار و اشتغال واداشته است. آیا نمی‌توان مشاغلی را تعریف کرد که با فرهنگ مشرق‌زمین همسو باشند و با ایجاد کار، جلوی فقر را بگیرند؟ یا برعکس باید آنقدر دامنه فقر را گسترش داد تا جامعه خود به جنبش‌های اجتماعی رضایت دهد؟ بنظر می‌رسد که ما همواره از تنش‌های اجتماعی استقبال کرده‌ایم، درحالی‌که اکنون زمان آن فرارسیده است که عقلایی‌تر به تجزیه و تحلیل همه‌جانبه موضوع بپردازیم.

در رفتارشناسی فقر، طبقات کم‌درآمد عامل تولید فقر هستند و تورم به تدریج درآمد واقعی این طبقات را کاهش داده، آنها را به سوی فقر بیشتر سوق می‌دهد. این طبقات فرهنگ جامعه را از طریق ارتباطات اجتماعی مورد تأثیر رفتاری خود قرار می‌دهند. برای مثال، اگر این طبقه به گوشه‌نشینی روی آورد، جامعه را از شادی و شادابی محروم می‌سازد، زیرا طبقات مرفه احساس آرامش خود را از دست می‌دهند و چون مهاجرت برای طبقات با درآمد بالا یک الزام اجتماعی است، لذا به خروج از شهرها و آمدن به مراکز استان یا کلان‌شهرها رضایت می‌دهند. خروج این سرمایه‌ها نیز در تشدید فقر در جوامع روستایی و شهری کوچک مؤثر است و در درازمدت، این مناطق را به مخروبه‌ای تبدیل می‌سازد. هزاران روستای تخلیه شده در ایران گواه این واقعیت است که ساختار اجتماعی متأثر از رفتارشناسی فقر، تغییر ماهیت داده، در انهدام خود و ترکیب با کلان‌شهرها می‌کوشد.

حال اگر طبقات کم‌درآمد برای حفظ سطح زندگی به کار بیشتر تن دردهند، به تدریج کاهش حجم ارتباطات اجتماعی خانواده، ارکان خانواده را متزلزل کرده، فقر و فحشا را در محیط گسترش می‌دهد. و این خود در فروپاشی جامعه مؤثر است. ملاحظه می‌کنید که بدین ترتیب، پدیده فقر مانند یک دایره خبیثه (Vicious Circle) درد فقر را مزمین می‌کند تا جامعه را به سرطان دچار سازد.

بنابراین، بخش پویای جامعه برای حفظ بقای خود می‌بایست با هر وسیله‌ای که ممکن است، در جهت محدود کردن دایره فقر کوشا باشد. بخشی از این موفقیت در کاهش تورم، و

بخش دیگر در ایجاد اشتغال مولد نهفته است. هر دوی این متغیرهای اقتصادی نیز می‌بایست با همبازی دولت به‌عنوان سیاستگذار و مردم به‌عنوان عامل اجرا و تعیین‌کننده فضای مناسب، زمینه موفقیت در هر دو پدیده را فراهم سازند. طبیعی است که سیاست‌های سلطه‌طلب و گروه‌های سیاسی مخالف که حفظ منافع خود را در بی‌نظمی و عدم ثبات می‌بینند، تلاش می‌کنند که مردم را در مقابل دولت و دولت را در مسیر سیاست‌های ناموزونی قرار دهند تا در درازمدت عاملیت سقوط را از طریق اثبات عدم لیاقت خود به اجرا گذارند.

### فقرزدایی

همانطور که در ابتدای تحلیل اشاره شد، ماهیت اصلی فقر سه بستر را دربرمی‌گیرد: اول، فقر در روستا؛ دوم، فقر و کودکان و درنهایت، زنان و فقر. اگر این عوامل را در کشورهای درحال توسعه مورد توجه قرار دهیم، ملاحظه می‌شود که در جهت فقرزدایی در سطح کلان سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی<sup>۱</sup> (IFAD) تجربیاتی را از جهان سوم و پدیده فقر، مورد مطالعه قرار داده‌اند که می‌تواند بسیار آموزنده باشد. اما آنچه مسلم است، آموزه‌های فوق تنها در ایجاد ایده ما را یاری می‌دهند و هیچگونه محصول نهایی را به ارمغان نخواهند آورد، مگر اینکه در جامعه برنامه‌های فقرزدایی را به جد مورد توجه قرار دهیم.

این برنامه‌ها می‌توانند شامل پدیده‌شناسی فقر از طریق تحقیقات باشند، زیرا فقر اگرچه همیشه فقر است، اما در چهارگوشه مختلف ایران از ساخت کالبدی مختلفی برخوردار است و ابعاد آن متفاوت است.

این برنامه‌ها از دادن وام مستقیم با نظارت کامل با نرخ بهره پایین شروع می‌شوند و با کار گروهی به انجام می‌رسند. گزارش سالانه IFAD در سال ۱۹۹۹، بویایی کار گروهی را برای مقابله با فقر روستایی از طریق سازمان‌های غیردولتی (NGOs)<sup>۲</sup> توصیه می‌کند.

سایر مطالعات نیز بر ایجاد ظرفیت و توسعه پایدار روستایی براساس حفظ محیط زیست و مدیریت قوی منابع طبیعی تأکید دارند. این خود اهمیت ویژه‌ای دارد و با حرف و صحبت نمی‌توان آن را ریشه کن کرد.

در برخی از جوامع فقر با سوء تغذیه روبرو است و جان افراد در معرض خطر است. در این

جوامع موضوع امنیت غذایی، آموزش رایگان و برنامه‌های بهداشتی در رأس امور قرار دارند. خوشبختانه موضوع فقر در ایران در این حد نبوده و با تکیه بر سیاست‌های حمایتی مناسب می‌توان در زمینه فقرزدایی به نحو چشمگیری موفق شد.

نکته حایز اهمیت در میان کشورهای در حال توسعه، تفاوت در امکانات تشکیل سرمایه است، که خوشبختانه در خصوص ایران، این معضل به علت داشتن منابع مختلف نفتی و غیره تا حد وسیعی از میان برداشته شده، لیکن هزینه‌های سربار اجتماعی هیچگاه اجازه نداده است که ریشه کن کردن فقر به موفقیت نهایی منجر شود.

ایران به علت موقعیت خاص جغرافیایی سیاسی‌اش، با وجود بازار نفت در شمال و

### ● در ساختار اقتصادی ایران، مردم اشتغال‌زایی را از وظایف دولت می‌دانند، در حالیکه به وظایف خودشان که دادن مالیات است، وقعی نمی‌گذارند.

جنوب، در دامی قرار گرفته که در هر صورت تقویت بنبه نظامی برایش یک الزام شده و در نتیجه، لزوم جذب سرمایه برای خرید تسلیحات و ابزار و ادوات جنگی بخش قابل توجهی از امکانات بالقوه کشور را از چرخه اقتصاد خارج می‌کند. در همین راستا، اگر اقتصاد نظامی‌گری راهگشای اشتغال و کسب درآمد باشد، باز خود می‌تواند هزینه‌های سربار را به حداقل کاهش دهد.

بدیهی است که توسعه هرچه بیشتر صندوق‌های قرض‌الحسنه اسلامی با تجهیزات بیشتر نیز می‌تواند در فقرزدایی روستایی به گونه‌ای موفق عمل کند (نمونه‌هایی از عملکرد این سازمان‌ها مورد مطالعه نویسنده قرار گرفته است).

### نتایج

آنچه در فوق آمد، تنها نیم‌نگاهی به بحران فقر بود که برای ایجاد فضای در جهت حل بحران بکار خواهد آمد، لذا «ریشه‌های فقر»

نامیده شد.

همانطور که اشاره شد، فقر نسبی است و باتوجه به انتظارات الگوی مصرف مردم، هر طبقه کم‌درآمدی می‌تواند فقیر شناسایی شود. اما منبع اصلی این فقر در سه حوزه قابل بررسی است: اول، بخش روستایی؛ دوم، بخش حاشیه‌نشین شهری و سوم، بخش واسطه‌گری و مشاغل غیرمولد. این بخش‌ها در ایجاد بحران‌های فقر میان کودکان و زنان نقش حساسی را عهده‌دار هستند و فقر را به صورت قلمه‌زنی در سطح جامعه گسترش می‌دهند. عدم توجه دولت و سرگرم کردن دولت به مسایل بین‌المللی هم باعث شده است که فقرزدایی در اولویت قرار نگیرد، درحالی‌که آنچه زمینه زوال و ناپایداری دولت‌ها را فراهم می‌سازد، همانا فقر است که دولت نیز با اعمال سیاست‌های دستمزد نامطلوب آن را به تمام جامعه سرایت می‌دهد.

انتظار این است که دولت باتوجه به نابسامانی‌های موجود در جامعه، تمامی تلاش خود را در جهت حل این معضل بکار بندد تا زیربنای جامعه سالم شود. ■

### منابع

- 1) Black, J./1997/ Oxford Dictionary of Economics/ Oxford.
- 2) Myint, H./ 1954/ An Interpretation of Economic Back wardness/ Oxford Econ/ p.vol. 2/ p. 132-136.
- 3) Brown Theory of Habitual Consumption/ Macroeconomic Text.
- 4) World Bank/ 1998/ Global Economic Prospects The Developing Countries/ Washington D.C.
- 5) عبیری، غلامحسین / ۱۳۷۸ / آزادسازی: نظریه‌ها، روش‌ها و کاربردها / مؤسسه فرهنگی زمین / تهران / صفحه ۱۱۳ / ماتریس آزادسازی و عدالت اجتماعی.
- 6) Lock, John/ 1690/Essay Concerning Human Understanding.
- 7) Toland, J./ 1713/ Discourse of Freethinking.
- 8) International Fund for Agricultural Development (IFAD)/ 1999/ Annual Report Pub.
- 9) Non Governmental Organizations (NGOs)



تجزیه و تحلیل صورتهای مالی:

## کابوس هر سال رویای امسال

### وظایف و قابلیت های نرم افزار تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

- ◀ انجام تجزیه و تحلیل های مالی به منظور بررسی نقاط قوت و ضعف عملکرد شرکت و آگاهی از مجموعه عواملی که احتمالا منجر به بروز مشکلات شده است .
- ◀ ارائه تصویری از وضعیت فعلی شرکت به صورت گزارش کامل و مکتوب درباره عملکرد شرکت و چشم اندازی از آینده آن .
- ◀ فراهم آوردن اطلاعات منسجم در قالب جداول و نمودارها که می تواند تصویری از عملکرد گذشته شرکت و ابزاری برای برنامه ریزی های مدیریت باشد .

سگادان سیستم



خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان شهیدا، شماره ۲۸، تهران ۱۵۸۶۷

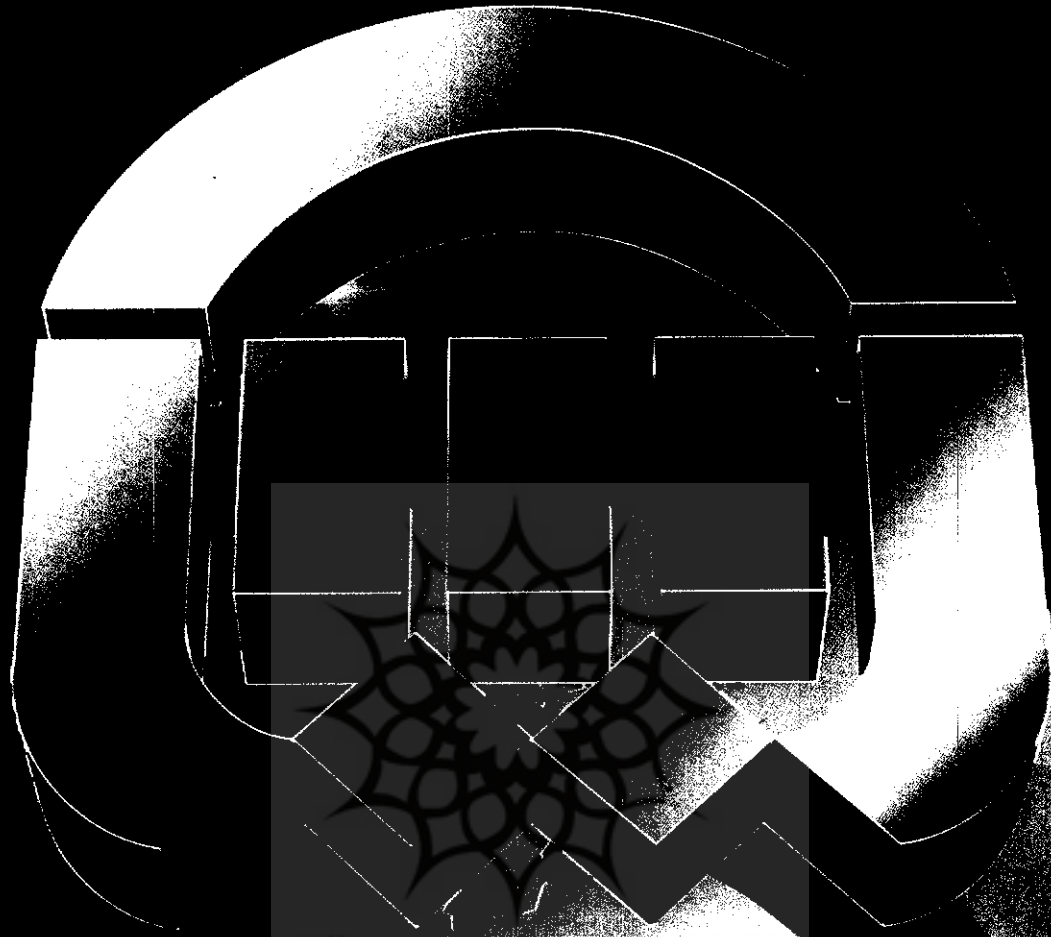
مدیریت: ۸۷۱۵۱۱۶ / فروش: ۸۷۲۵۸۶۳ / فاکس: ۸۷۱۵۶۳۸

email: [Info@systemgroup.net](mailto:Info@systemgroup.net) <http://www.systemgroup.net>



# با بیمه آسیا

در هر گوشه از جهان اوقات خود را با اطمینان سپری کنید



مؤسسه تحقیقات و توسعه  
پژوهشگاه ملی علوم انسانی

بیمه آسیا، مبتکر طرحهای نوین صنعت بیمه در کشور



# بانک توسعه صادرات ایران



انتخابات زوین

به تایید دبیرخانه شورای عالی بانکها

بانک توسعه صادرات ایران کاراترین بانک در سال ۱۳۷۸ بوده است.



# سپید کارت



SIPID CARD

سپید کارت

- ❶ دسترسی آسان به پول نقد
- ❷ عدم نگرانی از حمل پول نقد
- ❸ آگاهی از آخرین وضعیت حساب
- ❹ اطمینان، دقت، سرعت
- ❺ بدون محدودیت در دریافت پول نقد

▶ گامی دیگر در ارائه خدمات نوین بانکی

# ۳٪ سود بیشتر

سود سپرده کوتاه مدت (دفترچه حساب) ۱۰٪

سود سپرده کوتاه مدت ویژه (شش ماهه) ۱۲٪

سود سپرده بلندمدت یکساله ۱۶٪

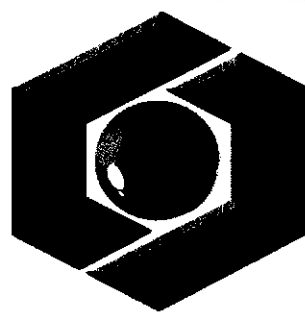
سود سپرده بلندمدت دو ساله ۱۷٪

سود سپرده بلندمدت سه ساله ۱۸/۵٪

سود سپرده چهار ساله ۱۹/۵٪

سود سپرده بلندمدت پنج ساله ۲۰/۵٪

پرتال جامع علوم انسانی



مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد

پیشرو در ارائه خدمات مالی و اعتباری